

پاسخ امام به مرحوم عراقی:

حضرت امام در پاسخ به مرحوم عراقی می‌نویسند که اینکه می‌گویید موضوع عام منقلب نمی‌شود، اگر مرادشان «موضوع در مراد استعمالی» است، این سخن صحیح است ولی اراده استعمالی ملاک عمل نیست و اصل عملی مراد جدی را منقلب می‌کند.

«و فيه: أنه إن كان المراد من عدم انقلاب العامّ عدمه بحسب مقام الظهور فلا إشكال فيه، لكن لا يمنع ذلك عن جریان الأصل.»

و إن كان المراد أنّ الموضوع - بحسب الجدّ - بقية الأفراد بلا عنوان و تقيّد، فهو ممنوع، ضرورة أنّ الخاصّ يكشف عن أنّ الحكم الجدّي متعلّق بأفراد العالم الغير الفاسق، و لا سبيل لإنكار تضيق الموضوع بحسب الجدّ.

و القياس بموت الفرد مع الفارق، لعدم كون الأدلّة ناظرة إلى حالات الأفراد الخارجيّة.^۱

توضیح:

۱. قیاس مانحن فيه (که در آن حتماً مراد جدی از عام، علمای غیر فاسق است) با «مرگ زید»، قیاس مع الفارق است چرا که:

۲. عام (اکرم العلما) از ابتدا فقط عالم‌های زنده را در بر می‌گرفته است و نسبت به فرد مرده عمومیت نداشته است [و لذا خروج آنها، خروج تخصصی است]

ما می‌گوییم:

۱. ماحصل فرمایش امام آن است که:

۱- موضوع «اکرم العلما» در ظهور استعمالی «عالم» است و هیچ انقلابی هم در این موضوع حاصل نشده است. ولی بعد از تخصیص، در اراده جدی، انقلاب حاصل می‌شود و لذا «عالم فاسق» از تحت دلیل عام خارج است

۲- اما در مورد «عالم مرده» از ابتدا ظهور استعمالی عام، شامل «عالم مرده» نمی‌شود و لذا تخصّصاً، عالم مرده از دلیل عام خارج است.

۲. اما ما با توجه به اینکه در مخصص متصل قائل به تعدد دال و مدلول بودیم، و در مخصص منفصل، به تغییر اراده جدی و اراده استعمالی قائل شدیم^۲ دقیقاً برخلاف مرحوم عراقی، در مخصص متصل قائل به انقلاب موضوع نمی‌شویم ولی در مخصص منفصل انقلاب موضوع را در مراد جدی می‌پذیریم.

۱. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۲۵۷

۲. ن ک: در سنانه سال چهارم اصول، ص ۴۹



قول دوم: دلیل قائلین به جریان اصل موضوعی

۱. چنانکه خواندیم، مرحوم آخوند مهم‌ترین قائل به این قول است. اما نحوه تقریر این قول و ادله ایشان در کلمات بزرگان مختلف است.

۲. حضرت امام در توضیح قول دوم، دو تقریر را ارائه می‌دهند.

تقریر اول مطابق نقل مرحوم فاضل^۱ و مرحوم اشتهااردی^۲ از تقریرات امام^۳، قول مرحوم حائری است که در مجلس درس خود طرح کرده و «استصحاب عدم ازلی نعتی در لوازم وجود» است.

تقریر اول از ادله قائلین به جواز جریان اصل موضوعی:

«حجّة القول بجریانه مطلقاً: أنّ مثل تلك الأوصاف - أي القرشيّة، و القابليّة للذبح، و مخالفة الكتاب و السنّة - من أوصاف الشيء في الوجود الخارجي، لا من لوازم الماهيات، فيمكن أن يشار إلى امرأة، فيقال: «إنّ هذه المرأة لم تكن قرشيّة قبل وجودها»، فيستصحب عدمها، و يترتب عليه حكم العام، لأنّ الخارج من العام هو المرأة التي من قریش، و التي لم تكن منه بقيت تحته، فيحرز موضوع حكم العام بالأصل.»^۴

توضیح:

۱. در مثال‌های:

۲. عام: زن تا ۵۰ سالگی حیض می‌شود

خاص: زن قرشی تا ۶۰ سالگی حیض می‌شود

۳. عام: حیوان ذبح شده قابل اکل است

خاص: حیوان غیر قابل ذبح، ذبح شده قابل اکل نیست

۴. عام: همه شروط لازم الوفا هستند

خاص: شرط خلاف کتاب و سنت لازم الوفا نیست

۵. «قریشی بودن»، «قابل ذبح بودن» و «مخالف کتاب و سنت» از اوصاف شیء در خارج است (و از اوصاف ماهیت نیست)

۶. و لذا می‌توان گفت این زن (قبل از اینکه موجود شود) قریشی نبود و الآن کماکان.

۱. معتمد الاصول، ج ۱، ص ۲۹۰

۲. تنقیح الاصول، ج ۲، ص ۳۶۱

۳. ن ک: مناهج الوصول (چاپ جدید)، ج ۲، ص ۲۲۷

۴. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۲۵۸



۷. و سپس حکم عام را بر آن جاری می‌کنیم. چرا که آنچه از تحت عام خارج شده است، زنی است که در وجود خارجی قریشی بوده باشد.

ما می‌گوییم:

۱. چنانکه روشن است حضرت امام سخن مرحوم حائری را وابسته به مبانی مختلف در بحث استصحاب عدم ازلی کرده‌اند

۲. استصحاب عدم ازلی، دارای دو نوع است:

الف) عدم محمولی: زید در ازل موجود نبود و الآن شک داریم، می‌گوییم کماکان موجود نیست.

ب) عدم نعتی: زید در ازل موجود نبود و در ازل قریشی هم نبود، حال موجود است، آیا قریشی موجود شده است یا غیر قریشی موجود شده است:

اگر استصحاب کنیم عدم قریشی بودن را در حالیکه شخص زید وجود دارد، می‌گوییم استصحاب عدم نعتی جاری شده است.

حال: استصحاب عدم نعتی خود دو نوع است:

ب/۱) نعت از لوازم وجود است: (مثال مطرح شده از سوی امام)

ب/۲) نعت از لوازم ماهیت است: این فرد در ازل نبود و ناطق هم نبود، بعد موجود شد ولی

نمی‌دانیم انسان است یا انسان نیست (ناطق است یا ناطق نیست)، آیا می‌توانیم عدم نطق را استصحاب کنیم.

